



# آندیسوا ستاره ی فوتبال

- ✍ Eden Daniels
- 🔗 Eden Daniels
- 💬 Marzieh Mohammadian Haghighi
- 🗣 Persian
- 📊 Level 2





آندیسوا چَند پسر را در حالِ فوتبال بازی تماشا  
کرد. او آرزو داشت که بتواند آنها را همراهی کند.  
او از مربی پرسید که آیا می‌تواند با آنها تمرین  
کند.

مُرَبِّي دَسْتَانَش رَا رَوِي كَمَرَش كُذَاشْت. وَ كُفْت:  
“دَر اَيْن مَدْرِسَه، فَقَط پَسْرَهَا اِجَازَه ي فُوتْبَال  
بَاذِي دَارَنْد.”



پسرها به او گفتند برو بسکتبال بازی کن. آنها  
گفتند بسکتبال برای دخترهاست و فوتبال برای  
پسرها. آندیسوا آندوهگین شد.



روزِ بَعْدِ، آن مَدْرَسَه یِک مُسَابِقَه یِ فوْتبَالِ بُزْرگ  
داشت. مُرَبّی نِگْران بود چوْن بَهِتْرین بازیکنش  
مَرِیض بود وَ نِمی توانست بازی کُنَد.





آندیسوا په سَمَتِ مُرَبِّی دَوید و اِلْتِماسِ کَرْدِ کِه په  
او اِجازه یِ بازی بَدَهْد. مُرَبِّی مُطْمَئِن نَبود که چه  
کاری اَنجام بَدَهْد. سِپَس تَصْمِیمِ کِرْفَت که  
آندیسوا می تَوانَد تیم را هَمراهی کُنَد.

بازی سختی بود. هیچکس تا نیمه ی بازی گل  
نَرَدَه بود.





دَر جَرِيانِ نيمه يِ دُومِ بازي يِكي اَز پَسَرها توپ را  
به آنديسوا پاس داد. آنديسوا با سُرْعَتِ خيلى  
زياد به سَمَتِ دَرِوازه حَرِکَتِ کَرْد. او مُحکَم به  
توپ ضَرْبِه زَد وَ گُل زَد.

تماشاچیان بسیار هیجان زده شدند. ازان زمان  
به بعد، دخترها هم اجازه ی فوتبال بازی در  
مدرسه را پیدا کردند.





# Storybooks Canada

[storybookscanada.ca](http://storybookscanada.ca)

أنديسوا ستاره ي فوتبال

Written by: Eden Daniels

Illustrated by: Eden Daniels

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghighi

This story originates from the African Storybook ([africanstorybook.org](http://africanstorybook.org)) and is brought to you by [Storybooks Canada](http://Storybooks Canada) in an effort to provide children's stories in Canada's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons  
[Attribution-NonCommercial 3.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/).